

## گزیده‌ای از شهر فمینیستی: مطالبه‌ی فضا در دنیای مرد ساخته<sup>۱</sup>

### زنان، ترس‌ها و شهرها<sup>۲</sup>

نوشته‌ی لزللی کرن

مترجم فاطمه همتی

نبایدها ناشی از اتفاقات و تجربیات رؤیت‌پذیر و تلخ‌کامی‌های زیسته‌اند. دستیابی به راه‌حل بیش از هر چیز نیازمند درک مسئله است. زنان به طور مستمر از فضایی ناامن به فضای ناایمن دیگری در حال حرکت‌اند. در متن پیش‌رو لزللی کرن این مخاطرات را برشمرده است.

ممکن است ندانیم یک شهر امن دقیقاً چگونه به نظر می‌رسد، اما می‌دانیم که متکی بر پلیس نیست.

بارها به ما هشدار صریح داده شده است تا از غریبه‌ها و فضاهای عمومی، شب هنگام اجتناب کنیم. رسانه‌های خبری از طریق گزارش‌های هیجان‌انگیز درباره‌ی جنایات خشونت‌آمیز غریبه‌ها، علیه زنان و فقدان نسبی گزارش در مورد خشونت شریک جنسی، در این راستا نقش بزرگی ایفا می‌کنند. کل ژانر نمایش‌های جنایی \_ پلیسی حول به تصویر کشیدن اعمال خشونت فجیع علیه زنان می‌چرخد، که در هر فصل نیز نسبت به فصل پیشین وضوح صحنه‌های جنایت‌بار را تشدید می‌کنند. تجاوز جنسی یک موضوع رایج در فیلم‌ها، کتاب‌ها و تلویزیون است که اغلب توسط نویسندگان برای نشان دادن لحظه‌ای مهم در رشد شخصیت یک زن استفاده می‌شود. در مجموع، این تصاویر نشان می‌دهد که غریبه‌ها با نیت خشونت و تجاوز جنسی همواره در گوشه و کنار به کمین نشسته‌اند. کم‌دین تیگ نوتارو<sup>۳</sup> تا حدودی در نشان دادن این تأثیرات موفق است. هر بار که مردی در جمع باعث ناراحتی او می‌شود، از خود می‌پرسد: "آیا این بار نوبت تجاوز به من است؟"<sup>۴</sup> و ما با تعذب می‌خندیم چرا که حقیقت دارد. و به نوعی معتقدیم که «تجاوز به عنف» برای همه ما به صورت بالقوه در همین لحظه وجود دارد، امری اجتناب‌ناپذیر، که در سایه‌ها به انتظار ما ایستاده است.

<sup>1</sup> *Feminist City*

*Claiming Space in a Man-made World: Leslie Kern*

<https://www.versobooks.com/books/3842-feminist-city>

<sup>2</sup> *Women, Fear, and Cities*

<https://www.versobooks.com/blogs/5024-women-fear-and-cities>

<sup>3</sup> *Tig Notaro*

<sup>4</sup> "Is this my rape?"

در مقابل، خشونت خانگی، تجاوز جنسی توسط آشنایان، زنا با محارم، کودک آزاری، و سایر جرایم «خصوصی» که بسیار شایع تر هستند بسیار کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. از منظر فمینیستی، این تفاوت در توجه، باعث هدایت ترس زنان به بیرون، دور از خانه و خانواده، تقویت نهادهای مردسالارانه، مانند خانواده‌ی هسته‌ای و اتکای زنان به مشارکت دگرجنس‌گرایان برای ظهور امنیت می‌شود. در یک چرخه‌ی معیوب، خشونت تجربه شده در فضای «ایمن» خانه لکه‌ی ننگی است بر اعتبار امنیت این فضا و همین دلیل است برای پنهان کردن خشونت رخ داده.

با سنجیدن همه‌ی این عوامل - گزارش کم، آزار و اذیت، اجتماعی شدن، رسانه‌ها - پارادوکس ترس زنان شروع به از بین رفتن می‌کند. فمینیست‌ها به جای تلاش برای یافتن علت یا توضیحی درونی برای ترس زنان، بیشتر علاقه‌مند هستند که آن‌را در ساختارها، سیستم‌ها و نهادهای گسترده‌تر قرار دهند. و این منجر به این سوال می‌شود که «چرا ترس زنان از نظر اجتماعی و فرهنگی این قدر عمیق است؟» تنها توضیح این است که تابع نوعی کارکرد اجتماعی است.

این مطالب الفبای «مطالعات زنان ۱۰۱»<sup>۵</sup> است، اما باید تکرار شود: کارکرد اجتماعی ترس زنان، کنترل زنان است. ترس، زندگی زنان را محدود می‌کند. استفاده‌ی ما از فضاهای عمومی را محدود می‌کند، انتخاب‌های ما را در مورد کار و سایر فرصت‌های اقتصادی شکل می‌دهد، و ما را در چیزی که شاید یک پارادوکس واقعی است، وابسته به مردان به عنوان محافظ نگه می‌دارد. همه‌ی این‌ها برای تقویت یک نظام سرمایه‌داری دگر جنس‌گرا کار می‌کند که در آن زنان به فضای خصوصی خانه گره خورده و مسئول کار خانگی در نهاد خانواده‌ی هسته‌ای هستند. این سیستمی است که به نفع مردان به عنوان یک گروه است و وضعیت موجود را به طور مؤثر حفظ می‌کند.

### بهای ترس

هزینه‌های پنهان زیادی ناشی از ترس وجود دارد - هزینه‌هایی که زنان را از زندگی کامل، آزاد و مستقل در شهر باز می‌دارد. پیامدهای اجتماعی، روانی و اقتصادی قابل توجه است و بار بزرگی را بر دوش زنان می‌گذارند: ما «دو

<sup>۵</sup> WMST 101

دوره‌ی آموزشی مطالعات زنان ۱۰۱، مقدمه‌ای است بر مطالعات زنان، تاریخچه، نظریه‌ها و روش‌ها، مسائلی که حوزه‌ی مطالعات جنسیت را از زمان پیدایش آن در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی تشکیل می‌دهد معرفی می‌کند. با کاوش در تجارب فردی زنان در سطح شخصی آغاز می‌شود و با تأکید بر تفکر انتقادی، مسائل مختلف زنان را در سطح محلی، ملی و جهانی در نظر گرفته و آثار مربوط به زنان، نقش جنسیتی و مسائل معاصر و استدلال‌های پیرامون وضعیت زنان را بررسی می‌کند: -م.

شیفت» کار با دستمزد و بدون مزد، علاوه بر تبعیض جنسی در «سه شیفت» با نژادپرستی، همجنس‌گرا هراسی، سالم‌سالاری<sup>۶</sup>، و غیره و مسئولیت دیگری با عنوان مدیریت مداوم ایمنی خود را داریم.

اقدامات پیش‌گیرانه‌ی بی پایان، زمان و انرژی ارزشمندی را به سرقت می برد. هر زنی روایتی از زمان‌هایی دارد که از مترو یا اتوبوس در ایستگاهی دور پیاده شده، چرا که نگران بوده او را تعقیب کنند، یا مسیری طولانی و پر پیچ و خم را به خانه طی کرده تا مطمئن شود که واقعاً تنهاست. ما از میان‌برها در جاده‌ها و پارک‌ها اجتناب می‌کنیم. مسیرهای سفر خود را تغییر می‌دهیم و کلیدهای خود را در مشت می‌گیریم. وانمود می‌کنیم که مشغول صحبت تلفنی هستیم، به طور کامل از مکان‌هایی خاص اجتناب می‌کنیم. همه‌ی این‌ها افزوده می‌شود به مجموعه‌ای طاقت فرسا از تصمیمات ایمنی که هم به شکل برنامه‌ریزی شده و روتین رخ می‌دهند و هم به صورت فی‌البداهه نیاز به آگاهی و توجه مداوم به مسائل ایمنی دارند.

استرس ناشی از یک وضعیت ناآرام مداوم، حتی در میزان اندک، به صورت روزمره ناسالم است و می‌تواند پیامدهای طولانی مدت داشته باشد. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که سطوح بالای استرس بر طول عمر تأثیر می‌گذارد و حتی ممکن است به عنوان آسیب بر DNA ثبت و نشان داده شود. رد کردن مهمانی‌ها و رویدادها یا ترک زودهنگام آن‌ها ناراحت کننده است زیرا هیچ راه امن و مقرون به صرفه‌ای برای بازگشت دیرهنگام به خانه وجود ندارد. از نظر روانی خسته کننده است که نتیجه‌ی انتخاب‌های خود را پیش‌بینی کنیم، به این فکر کنیم که اگر اتفاق بدی بیفتد آیا ما سرزنش خواهیم شد. متأسفانه، ما حق داریم در این مورد نگران باشیم. مطالعات گزارش‌های رسانه‌ای درباره خشونت علیه زنان - عمومی و خانگی - نشان داده است که رسانه‌ها به طور ضمنی اعمال، سلامت روان، تاریخچه و عادات قربانیان را زیر سؤال می‌برند، به‌ویژه اگر وی سیاه‌پوست، بومی و یا به طریقی دیگر به حاشیه رانده شده باشد.

از نظر اقتصادی، این ترس‌ها پیامدهای مادی قابل لمس دارند. یک شیفت شب با درآمد بهتر یا شغل در یک منطقه‌ی به ظاهر خطرناک ممکن است رد شود. ممکن است از کلاس‌های شبانه که منجر به آموزش بیشتر و مشاغل با درآمد بالاتر می‌گردد اجتناب شود. اگر در یک منطقه ناامن باشد مسکن مقرون به صرفه اگر در یک منطقه ناامن باشد، گزینه‌ی غیر قابل مذاکره‌ای است. این هزینه‌ها به ندرت محاسبه می‌شوند، حتی در زمان محاسبه‌ی مواردی مانند «مالیات صورتی»<sup>۷</sup>. شاید بدیهی‌تر، اگرچه هنوز کم شمارش می‌شود، هزینه‌هایی است که

<sup>6</sup> Ableism

به معنای جهت‌گیری، تبعیض و تعصب اجتماعی به نفع افراد غیر معلول است: -م.

<sup>۷</sup> Pink Tax

زنان برای تردد متحمل می‌شوند؛ چرا که اگر پیاده‌روی یا دوچرخه‌سواری را انتخاب کنند با آزار و اذیت مواجه خواهند شد. تحقیقات نشان می‌دهد که در اکثر کشورها، زنان به طور قابل توجهی به میزان کمتری در روز نسبت به مردان راه می‌روند. این موضوع ناشی از تنبلی نیست. **تالیا شادول**<sup>۸</sup> روزنامه‌نگار با بررسی زنان در شهرهایی مانند جاکارتا، سمارنگ، بریستول و واشنگتن دریافت که زنان اغلب هنگام پیاده‌روی به مدرسه یا محل کار با تونل وحشتی از آزار مواجه می‌شوند که باعث می‌گردد هزینه‌ی تاکسی، کرایه وسیله‌ی نقلیه به صورت اشتراکی و اتوبوس را حتی برای فاصله‌های کوتاه پرداخت کنند. پرداخت هزینه‌ی ماشین، تلفن همراه یا ساختمانی با امنیت نیز تحمیل دیگری بر هزینه‌های زنان است. در حالی که ممکن است این مخارج برای برخی از مردان نوعی امتیاز رفاهی به نظر برسد برای بسیاری از زنان ضرورت است. و البته، دسترسی به این نیازها بسته به درآمد، نژاد، رنگ پوست، توانایی و وضعیت شهروندی بسیار متفاوت است.

در پایان روز، این محدودیت‌ها، هزینه‌ها و استرس‌ها به یک برنامه‌ی غیرمستقیم اما بسیار مؤثر کنترل اجتماعی تبدیل می‌شود. ترس‌های ما که از نظر اجتماعی تقویت شده است، ما را از سکونت کامل در شهر و استفاده‌ی روزمره از زندگی خود باز می‌دارد.

چه کسی از این همه سود می‌برد؟ آیا این ظالمانه و حتی غیرمنطقی به نظر نمی‌رسد که جامعه زنان را تا این حد محدود کند؟ از این گذشته، ضررها صرفاً توسط افراد ایجاد نمی‌شود. می‌توان بهره‌وری اقتصادی از دست رفته‌ی زنان را به دلیل انتخاب‌های مبتنی بر ترس محاسبه کرد و تأثیر گسترده‌تر آن را بر جامعه دید. اما جامعه بر اساس یک منطق صرفاً اقتصادی، یا حداقل منطقی که میدان بازی برابر را برای همه فرض می‌کند یا می‌خواهد، عمل نمی‌کند. منطق اقتصادی یک جامعه‌ی جنسیت‌گرا، نژادپرست، ترنس‌هراس و همجنس‌گراهراس و سالم‌سالار بر

---

محققان نابرابری جنسیتی اغلب به چیزی که به عنوان "مالیات صورتی" شناخته می‌شود، اشاره می‌کنند. برخی کالاها و خدمات که به صورت زنانه و مردانه به بازار عرضه می‌شوند علی‌رغم اینکه از کیفیت و کارکرد مشابهی برای هر دو جنس برخوردار هستند، مردان برای خرید آن محصولات و خدمات هزینه‌ی کمتری می‌پردازند، از جمله‌ی این کالاها و خدمات می‌توان به محصولات بهداشتی، اسباب‌بازی‌ها، پوشاک نوزادان، خدمات اتوکشی، آرایشگاه‌ها و غیره اشاره کرد. این تفاوت قیمت از این رو به عنوان مالیات صورتی نامگذاری شده است که به دلیل هدف‌گذاری تبلیغاتی برای جلب توجه زنان و دختران در بسته‌بندی و ارائه، از رنگ‌های بنفش و صورتی و رایحه‌های شیرین و وانیلی استفاده می‌شود. مالیات صورتی با توجه به وجود شکاف دستمزدی میان زنان و مردان به نابرابری اقتصادی بیشتر می‌انجامد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که مالیات صورتی گرچه کارکرد همسویی با "مالیات تامپون" (مالیات قانونی وارد بر محصولات بهداشتی مختص زنان) دارد اما از وجهه‌ی قانونی برخوردار نیست. (از نمونه‌های قابل لمس مالیات صورتی برای خوانندگان می‌توان از تفاوت قیمت تلفن‌های همراه با بدنه‌های رنگی، در بازار محصولات دیجیتال ایران نام برد) : م.

این فرض ناگفته عمل می‌کند که قدرت اقتصادی و سایر اشکال قدرت ابتدا باید برای مردان سفیدپوست، دگرجنس‌گرا، همسوجنسیت<sup>۹</sup>، و بدن توانمند مردانه به حداکثر برسد.

### اینترسکشنالیتی<sup>۱۰</sup> و خشونت

در حالی که خشونت مبتنی بر جنسیت ممکن است یک مخرج مشترک باشد، سایر نشانگرهای موقعیت اجتماعی همیشه انواع خاصی از خشونت، آزار و اذیت و خطری را که زنان با آن مواجه می‌شوند شکل می‌دهند و این‌ها قابل تفکیک نیستند. از زنی که حجابش از سرش کشیده شده است، نمی‌توان خواست که انتخاب کند که آیا این خشونت جنسی است یا اسلام‌هراسی. مقیاس عظیم و طول عمر تاریخی خشونت علیه زنان بومی فقط به نژادپرستی، استعمارگری یا تبعیض جنسی قابل تقلیل نیست. همان‌طور که زنان بومی و زنان رنگین پوست مدت‌ها استدلال کرده‌اند، خشونت جنسیتی ابزار کلیدی استعمار شهرک‌نشینان است، خشونتی که هم توسط دولت و هم توسط ملت همچنان اعمال می‌شود.

در شهر، خشونت عمومی و ترس از جرم و جنایت اغلب به عنوان مشکلاتی تحت یک عنوان مورد توجه قرار می‌گیرد، «مشکلات زنان». این عنوان شکل‌های محدودی از مداخله را ایجاد می‌کند که برخی از آن‌ها محکوم به شکست هستند زیرا موقعیت‌های اجتماعی متعدد زنان را در نظر نمی‌گیرند. تلاش‌ها برای افزایش پلیس، اضافه کردن روشنایی و نصب دوربین‌های مداربسته احتمالاً خیابان‌ها را برای کارگران جنسی خطرناک‌تر می‌کند، زیرا نه تنها خطر دستگیری و خشونت پلیس آن‌ها را تهدید می‌کند، بلکه برای کار به مکان‌های ناامن‌تر نیز رانده می‌شوند. زنانی که وضعیت رسمی مهاجرت ندارند یا به زبان محلی به خوبی صحبت نمی‌کنند، ممکن است در دسترسی به خدمات یا فضاهایی که برای ایمن‌تر کردن زنان طراحی شده‌اند احساس راحتی نکنند. حتی درخواست برای پیاده شدن از اتوبوس در بین ایستگاه‌ها می‌تواند مشکل دیگری باشد. و فقدان گسترده فضاهای قابل دسترس فیزیکی برای افراد معلول به این معنی است که زنان معلول در انواع انتخاب‌هایی که می‌توانند در مورد ایمنی انجام

#### <sup>9</sup> Cis

همسوجنسیت یا سیس به کسی گفته می‌شود که جنسیتش با جنسیتی که در زمان تولد بر اساس فیزیک بدنی به او نسبت داده‌اند هم‌سو است. برای مثال شخصی که از ابتدای تولد اندام جنسی نرینگی دارد و در ذهن و باورش خود را مرد هویت‌یابی می‌کند، یک مرد سیس‌جنس‌دار و همسوجنسیت نامیده می‌شود: -م.

#### <sup>10</sup> Intersectionality

ماهیت به هم پیوسته طبقه بندی‌های اجتماعی مانند نژاد، طبقه و جنسیت که در مورد یک فرد یا گروه خاص اعمال می‌شود، که به عنوان ایجاد سیستم‌های تبعیض یا آسیب‌های همپوشانی و وابسته به یکدیگر تلقی می‌شود.

دهند بسیار محدود هستند. بنابراین، پیش از اتخاذ هر گونه سیاست، تغییر رویه و طراحی به منظور افزایش ایمنی، باید به نحوه تأثیرگذاری آن بر اعضای مختلف جامعه نگاهی دقیق داشته باشیم.

ممکن است یافتن یک راه حل واحد برای همه‌ی مشکلات غیرممکن باشد، اما همچنان باید در جستجوی یک رویکرد اینترنت‌سکشنال باشیم.

امن جلوه دادن شهرها برای زنان همچنین باعث می‌شود که برای سایر گروه‌های حاشیه‌نشین کمتر ایمن شوند. تلاش برای «پاکسازی» مناطق مرکزی شهر و «احیای» مناطق مسکونی و خرده فروشی معمولاً از طریق ترکیبی از اقدامات زیبایی شناختی (پروژه‌های زیباسازی) و حذف فعال گروه‌هایی از مردم که به عنوان نمادهای بی نظمی، خطر، جنایت و یا بیماری مشخص شده‌اند، انجام می‌شود. از لحاظ تاریخی، کل جوامع رنگین پوست، به ویژه سیاه پوستان، به نام نوسازی شهری نابود و محو شدند، از جمله آفریکوویل هالیفاکس<sup>۱۱</sup> و کوچه هوگان ونکوور<sup>۱۲</sup>. امروزه، شیوه‌های غیرعلنی هدف قرار دادن افراد بی‌خانمان و کارگران جنسی از طریق مجرم‌انگاری آنان است. جوانان، به‌ویژه جوانان رنگین‌پوست، به‌شدت از طریق ایست-بازرسی تحت کنترل قرار می‌گیرند و به طور افراطی دستگیر می‌شوند. فضاهایی که به جوامع محروم و مهاجران خدمت می‌کنند، به هدف بیرون راندن طبقه‌ی

### 11 Halifax's Africville

آفریکوویل، دهکده‌ی آفریقایی-کانادایی واقع در شمال هالیفاکس، نوا اسکوشیای کشور کانادا در اواسط قرن هجدهم تأسیس و به یک جامعه ساحلی مرفه تبدیل شد، اما شهرداری هالیفاکس آن را در دهه ۱۹۶۰ در اقدامی نژادپرستانه پس از دهه‌ها بی‌توجهی و ارائه‌ی خدمات نامطلوب تخریب کرد. شهردار منطقه ای هالیفاکس در سال ۲۰۱۰ بابت تخریب آفریکوویل عذرخواهی کرد. برای بسیاری از مردم، آفریکوویل نشان دهنده ظلم و ستم سیاه پوستان کانادایی و تلاش برای اصلاح اشتباهات تاریخی است: -م.

### 12 Vancouver's Hogan's Alley

کوچه هوگان نام محلی و غیر رسمی پارک لین بود، کوچه‌ای که در شش دهه اول قرن بیستم از گوشه جنوب غربی استراتونکا در ونکوور، بریتیش کلمبیا می‌گذشت. بین خیابان‌های یونیون و پریور از خیابان اصلی تا خیابان جکسون حرکت می‌کرد.

در حالی که کوچه هوگان و اطراف آن، محله‌ای از نظر قومیتی متنوع در طول این دوره بود، خانه بسیاری از کانادایی‌های ایتالیایی، چینی و ژاپنی، تعدادی از خانواده‌های سیاه‌پوست، مشاغل سیاه‌پوست و تنها کلیسای سیاه‌پوست شهر، کلیسای کوچک فواره اسقفی متدیست آفریقایی، در آن واقع بود. به این ترتیب، کوچه هوگان اولین و آخرین محله در ونکوور با جمعیت سیاه‌پوست قابل توجه بود. یکی از دلایل احتمالی اسکان این خانواده‌ها در آنجا، نزدیکی به ایستگاه‌های قطار بود، زیرا باربرهای واگن خواب، عمدتاً مردان سیاه‌پوست بودند.

بیشتر کوچه هوگان حدوداً در سال ۱۹۷۰ توسط دولت مدنی انجمن غیرحزبی در ساخت پل راهرو جورجیا، اولین مرحله از یک آزادراه برنامه ریزی شده بین شهری که در ابتدا قصد داشت تمام کوچه هوگان را از بین ببرد و محله چینی‌ها را به نصف برساند، ویران شد. این آزادراه توسط فعالان جامعه استراتونکا متوقف شد، اما نه قبل از اینکه کوچه هوگان عملاً نابود شود. امروزه، بلوک باقی مانده از خود کوچه هیچ نشانی از حضور سیاه پوستان در آنجا ندارد و بخشی نامشخص از استراتونکا است: -م.

فقیر، طبقه‌ی کارگر و تبعیض شده از این «مناطق در حال بازسازی» بسته می‌شوند، جابه‌جا می‌شوند، یا تقلیل منابع می‌یابند.

آمدگی سفیدپوستان، به خصوص زنان سفیدپوست برای فراخوانی پلیس برای رنگین‌پوستان، آن‌ها را به بازوهای مؤثر پلیس تبدیل می‌کند. در این راستا می‌توان «فمینیسم کارسرال»<sup>۱۳</sup> را سرزنش کرد: نسخه‌ای از کار ضدخسونت که خواستار مجازات‌های سخت است و برای حل خسونت مبتنی بر جنسیت، به پلیس و سیستم عدالت کیفری متکی است. **بت ریچی**<sup>۱۴</sup>، پروفیسور مطالعات آفریقایی آمریکایی، در کتاب «**عدالت دست بسته: زنان سیاه‌پوست، خسونت و ملت زندانی آمریکا**»<sup>۱۵</sup> اشاره می‌کند که در حالی که برخی از زنان در چند دهه‌ی گذشته شاهد بهبود ایمنی خود بوده‌اند، زنانی که قدرت کمتری دارند «همچون گذشته در خطر هستند. دقیقاً به دلیل جهت‌گیری ایدئولوژیک و استراتژیک که جنبش ضد خسونت در طول تشکیل ملت-زندان آمریکا<sup>۱۶</sup> در پیش گرفته است». در شرایطی که سیستم عدالت کیفری عمیقاً نژادپرستانه و طبقاتی است، رویکرد سیستم کارسرال تنها می‌تواند به تعمیق نابرابری‌ها و انگ مجدد و هدف قرار دادن بیش از حد خانواده‌های سیاه‌پوستان و بومیان و رنگین‌پوستان کمک کند. فمینیسم کارسرال ناخواسته در سیستمی شرکت می‌کند که در آن پلیس و شهرها عملاً برای بهبود ایمنی زنان کار بسیار کمی انجام می‌دهند، اما می‌تواند از ایمنی زنان به عنوان توجیهی برای سیاست‌ها و اقداماتی استفاده کند که سایر گروه‌های آسیب‌پذیر را هدف قرار می‌دهد و آن‌ها را بیشتر در معرض خسونت دولتی و خیابانی قرار می‌دهد.

در تحقیقاتم در مورد جنسیت و توسعه‌ی کاندومینیوم<sup>۱۷</sup> در تورنتو، متوجه شدم که سازندگان و مشاوران املاک و مستغلات با این ایده که کاندوها دربان ۲۴ ساعته و کارکنان امنیتی و همچنین ویژگی‌های فنی مانند قفل‌های اثر

<sup>13</sup> Carceral feminism

فمینیسم کارسرال رویکردی را توصیف می‌کند که افزایش پلیس، پیگرد قانونی و زندان را راه‌حل اولیه خسونت علیه زنان می‌داند. منطبق کارسرال اعمال نظم و امنیت بر ذهن‌ها، ایده‌ها، بدن‌ها و افراد را وابسته به استفاده از شیوه‌های حبس، مجازات، تنبیه و خسونت می‌داند: -م.

<sup>14</sup> **Beth Richie**

<sup>15</sup> **Arrested Justice: Black Women, Violence, and America's Prison Nation**

<sup>16</sup> America's prison nation

<sup>17</sup> Condominium

یک کاندومینیوم، ترکیبی بین یک واحد آپارتمانی و یک خانه است، در واقع ملکی است که می‌توان آن را خرید و مالکیت آن را مستقیماً به عهده گرفت. به طور معمول کاندو واحدی از یک ساختمان است که برای ورود به آن باید از یک فضای مشترک مانند راهرو عبور کنید. معمولاً کاندوهای مسکونی یک طبقه‌ی (بدون پله) می‌باشند و در هر طبقه تقریباً ۴ الی ۱۰ واحد دیگر وجود دارد. همچنین در طبقه‌های بالا و پایین خانه‌ی شما نیز واحدهای دیگری وجود دارند (مگر اینکه در طبقه‌ی همکف یا پنت هاوس زندگی کنید). با توجه به نحوه‌ی منطقه بندی و یا تراکم شهر، کاندوهای کم مرتبه (معمولاً ۳ تا ۷ طبقه) و یا بلند مرتبه (۱۰ تا ۵۰ طبقه) را پیدا خواهید کرد. در یک کاندو، مالکیت مشاعات ساختمان بین تمام واحدها به صورت مشترک (مشاعی) است. شاید مشاعات ساختمان شامل سالن بدنسازی، استخر و سایر امکانات رفاهی باشد. البته برخی از مکان‌های ساختمان به عنوان مشاعات محدود در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، یک

انگشتی، دوربین مدار بسته و سیستم‌های هشدار را دارا هستند، کاندو را به عنوان امن‌ترین گزینه برای سکونت زنان ساکن در مرکز شهر به بازار معرفی می‌کنند. این ویژگی‌ها زمانی که کاندوها به محله‌های «در حال رشد» می‌رسیدند که قبلاً بدنام بودند یا به‌عنوان مناطق متروکه و صنعتی دیده می‌شدند، بسیار مورد تبلیغ قرار گرفتند. سپس من استدلال کردم که با «ایمن کردن» کاندوها برای زنان، توسعه‌دهندگان مسیر خود را به محله‌هایی هموار می‌کنند که در غیر این صورت ممکن بود سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز در املاک و مستغلات باشند. این گسترش مطمئناً زندگی را برای زنانی که به دلیل این شکل از اعیان‌نشینی آواره می‌شوند، ایمن‌تر نمی‌کند. همچنین به هیچ وجه با خشونت خانگی مقابله نمی‌کند. علاوه بر این، درخواست از زنان برای «خرید» امنیت خود از طریق مالکیت آپارتمان، به روند خصوصی‌سازی کمک می‌کند، جایی که افراد مسئول رفاه خود، حتی ایمنی خود در برابر جرم و جنایت هستند. تبدیل ایمنی به یک کالای خصوصی در شهر به این معنی است که کمتر و کمتر در دسترس کسانی قرار می‌گیرد که فاقد امکانات اقتصادی برای تامین امنیت خود هستند. این موضوع قطعاً با دیدگاه فمینیستی اینترسکشنال از شهری امن‌تر برای زنان فاصله زیادی دارد.

ممکن است دقیقاً ندانیم که یک شهر امن چگونه به نظر می‌رسد، اما می‌دانیم که اقدامات ایمنی خصوصی را شامل نمی‌شود. برای پیشگیری یا تحقیق کافی از جنایات، به پلیس متکی نیست. کارگران جنسی، رنگین پوستان، جوانان یا مهاجران را زیر اتوبوس نمی‌اندازد تا ظاهری امن ایجاد کند. بر نیازها و خواسته‌های زنان سفیدپوست ممتاز متمرکز نخواهد شد. و انتظار ندارد تغییرات فیزیکی سلطه‌ی پدرسالارانه را خنثی کند.

حداقل، یک رویکرد اینترسکشنال که از نیازها و دیدگاه‌های آسیب‌پذیرترین قشر شروع می‌شود، مورد نیاز است. گوش دادن به زنان و ایمان آوردن به آن‌ها یک تمرین استاندارد خواهد بود. درک ارتباط بین خشونت خصوصی و عمومی افزایش خواهد یافت. اسطوره‌های تجاوز و فرهنگ تجاوز برچیده خواهد شد. ترس یک تاکتیک کنترل اجتماعی نخواهد بود. در یک شهر امن و فمینیستی، زنان مجبور نخواهند بود که فقط برای بیرون رفتن از در، شجاع باشند. انرژی ما برای هزار و یک اقدام احتیاطی هدر نخواهد رفت. در این شهر که یک شهر فمینیستی است، می‌توان به همه‌ی چیزهایی که زنان به جهان عرضه می‌کنند پی برد.

---

فضای مشاعی برای استفاده‌ی منحصر به فرد مالک تهیه شده است، اما هنوز تحت نظارت و کنترل هیات مدیره قرار دارد (مانند بالکن و پارکینگ). مالکان کاندو ماهانه مبلغی را به عنوان شارژ پرداخت می‌کنند که صرف تعمیرات و نگهداری از ساختمان می‌شود. سهم هر واحد از مشاعات تابعی از متراژ اختصاصی آن واحد تقسیم بر کل متراژ اختصاصی آن ساختمان می‌باشد و معمولاً سهم هر واحد بابت هزینه‌ی جاری براساس این ضریب محاسبه می‌شود: -م.



